

## تبیین جامعه‌شناختی دستگیری‌های

مرتبط با مواد مخدر:

### مطالعه موردی استان مازندران

اکبر علیوردی‌نیا\*

**طرح مساله:** این مقاله مبتنی بر تحقیقی است که در مورد تبیین دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر در استان مازندران صورت گرفته است. هدف اصلی این مطالعه تحلیل عوامل اجتماعی مرتبط با میزان اعتیاد است. محقق در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بوده است که «عوامل اجتماعی موثر بر نوسانات میزان اعتیاد در میان شهرستان‌های استان مازندران کدامند؟».

**روش:** واحد تحلیل این تحقیق، شهرستان می‌باشد و تمامی شهرستان‌های استان مازندران در طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ با استفاده از داده‌های ثانویه مورد بررسی و تحلیل واقع شده‌اند.

**یافته‌ها:** میزان دستگیری‌های مجرمین مرتبط با مواد مخدر از ۸۱ نفر (در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) در سال ۷۵ به ۵۱۹ نفر (در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) در سال ۸۰ افزایش یافته است؛ یعنی ۶/۴ برابر افزایش نشان می‌دهد.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مساله ترانزیت از جمله عوامل اصلی گسترش مواد مخدر و اعتیاد در استان مازندران می‌باشد. از این رو، فراوانی مواد مخدر و فعالیت قاچاقچیان از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده میزان اعتیاد در استان هستند.

**کلید واژه‌ها:** استان مازندران، اعتیاد، توزیع‌کنندگان مواد مخدر، ره‌یافت ساختاری،

فراوانی مواد مخدر

تاریخ پذیرش: ۸۷/۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۱/۲۰

\* جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران <[aliverdinia@umz.ac.ir](mailto:aliverdinia@umz.ac.ir)>

## مقدمه

ایران به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان جاده ترانزیتی برای تأمین مواد از هلال طلایی به کشورهای غربی مورد استفاده قرار گرفته است. آشنایی قاچاقچیان بین‌المللی به مسیر ایران، همکاری قاچاقچیان داخلی و قرار گرفتن کشورمان در مجاورت دو منطقه مهم هلال طلایی و مثلث طلایی، ایران را به یکی از دالان‌های مهم ترانزیت مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است. به لحاظ جغرافیایی، ایران کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر ترانزیتی مواد مخدر می‌باشد. ایران در همسایگی هلال طلایی، بزرگ‌ترین منطقه کشت و تولید مواد مخدر، واقع شده است. حدود یک قرن است که مواد مخدر از افغانستان و پاکستان و ایران ترانزیت می‌شود. هم‌چنین ویژگی‌های قومی و روابط نزدیک میان ساکنن دوسوی مرزهای بین‌المللی ایران و افغانستان زمینه تخلفات مواد مخدری را فراهم نموده است. مواد مخدر وارد به استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان - به‌صورت عمده - در مسیرهای مختلفی به گردش درمی‌آید، که یکی از مسیرهای عمده، مسیر استان مازندران است. استان مازندران به علت هم‌جواری با استان‌های گرگان و خراسان، یکی از مسیرهای ترانزیت مواد مخدر محسوب می‌شود. میانگین میزان دستگیرشدگان مرتبط با مواد مخدر در استان مازندران در طی دهه گذشته نیز نشان‌دهنده روند افزایشی آن است و به بیش از ۱/۵ برابر رشد یافته است. در حال حاضر، جایگاه استان مازندران به لحاظ میزان دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۰ در بین استان‌های کشور، رتبه دهم (میانگین ۳۵۵ نفر در هر صد هزار نفر جمعیت) می‌باشد. در این مقاله علاوه بر توصیف آماری جایگاه استان مازندران به لحاظ وضعیت مواد مخدر، که به صورت میزان و لحاظ نمودن جمعیت هر شهرستان می‌باشد، به دنبال تبیین عوامل اجتماعی موثر بر تغییرات میزان دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر در استان مازندران خواهیم بود تا از این طریق بتوانیم سهم هر یک از متغیرهای مستقل را شناسایی و تعیین نماییم.

## ۱) پیشینه پژوهش

در طول سال‌های متمادی تحقیقات بسیاری در مورد موضوعات مربوط به جرایم مواد (مخدوری) در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است. اغلب مطالعات سعی نموده‌اند تا شرایط زمینه‌ای برای اعتیاد به انواع مواد و کسانی که درگیر فعالیت‌های مرتبط با جرایم مواد (مخدوری) می‌شوند را بررسی و تحلیل کنند. در ایران، در مورد اعتیاد به مواد مخدر و مسائل مربوط به آن تحقیقات زیادی صورت گرفته است، لیکن با توجه به عدم دسترسی محققین به داده‌های رسمی مربوط به جرایم مواد مخدوری، اغلب تحقیقات انجام شده در سطح خرد می‌باشند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تنها تحقیق جامعه‌شناختی منتشر شده‌ای که در سطح کلان بوده و تمامی استان‌های ایران را در طی یک دوره سیزده ساله (۱۳۶۸-۱۳۸۰) به لحاظ میزان اعتیاد به مواد مخدر مطالعه نموده است، پژوهش نگارنده مقاله (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۵) می‌باشد. تحقیقات انجام شده در خارج از کشور نیز سعی نموده‌اند عواملی که منجر به اعتیاد و تخلفات مرتبط با مواد مخدر می‌شوند را بررسی کنند. با این حال، اکثر این مطالعات انجام شده، در یک کشور خاص و بر روی جامعه آماری مشخص - معمولاً جوانان، دانش‌آموزان و مدارس یا دانشجویان کالج - بوده و کمتر به مطالعات تطبیقی یا طولی - تطبیقی پرداخته شده است. از این رو، در اینجا سعی می‌شود به اختصار به برخی از تحقیقات طولی - تطبیقی اشاره شود.

در یک مطالعه طولی در تگزاس، آموتنگ و بار (Amoateng & Bahr, 1986) اثرات تحصیلات والدین، موقعیت شغلی مادر، مذهبی بودن، وابستگی مذهبی، قومیت و نژاد را بر روی مصرف مواد مخدر بررسی نموده‌اند. برعکس برخی تحقیقات پیشین، آن‌ها دریافته‌اند که تحصیلات والدین و موقعیت شغلی مادر هیچ‌یک ربطی به مصرف مواد مخدر ندارد. کسانی که با هر دو والدین خود زندگی می‌کنند نسبت به کسانی که فقط با یکی از آن‌ها زندگی می‌کنند، احتمال کمتری دارد که درگیر مصرف ماری‌جوانا شوند. درجه مذهبی بودن دارای رابطه معنی‌داری با مصرف مواد مخدر در میان تمامی ابعاد مذهبی بوده است. محققینی چون، کمپل و اسونسون (Campbell & Svenson, 1992) و ایکرز و لی

(Akers & Lee, 1999) نیز در مورد رابطه بین مذهبی بودن، جنسیت و نژاد با مصرف مواد مخدر به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

در تحقیقی که والاس و بچمن (Wallace & Bachman, 1991) تحت عنوان «تبیین تفاوت‌های قومی - نژادی در مصرف مواد مخدر: تأثیر زمینه و سبک زندگی» انجام داده‌اند داده‌هایی را از ۴۸ ایالت در طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۹ جمع‌آوری نمودند. در این تحقیق که حجم نمونه آن ۷۷۵۰۰ نفر بوده است، نتایج نشان می‌دهد که مصرف مواد مخدر بیش از آن که با زمینه‌های قومی - نژادی افراد مرتبط باشد، با پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان مرتبط است.

لی و دنگ (Lee & Deng, 1995) به تحلیل الگوها و همبسته‌های ساختاری جرایم مواد مخدر در تایوان پس از جنگ، یعنی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۰ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که چنین جرایمی در تایوان در مقایسه با ایالات متحده بسیار پایین است. تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان می‌دهد که نرخ تولید خالص ملی، ضریب جنسیتی و نسبت پلیس به شهروندان، رابطه معنی‌داری با تخلفات مربوط به مواد مخدر دارند. این نتایج با تبیین نظریه‌های ستیز مبنی بر این که نابرابری در درآمد، دارایی و قدرت، از تعیین‌کننده‌های اصلی در ارتکاب جرم در تایوان می‌باشد، همخوانی دارد.

لینور و همکارش (Linnever & Shoemaker, 1995) در تحقیقی تحت عنوان «مواد مخدر و جرم: تحلیلی در سطح کلان»، با استفاده از داده‌های ۱۳۶ استان و شهر، و با کنترل سنجه‌های مربوط به شهرنشینی، گسیختگی خانواده، محرومیت نسبی، خرده فرهنگ خشونت و میزان فارغ‌التحصیلان، به این نتیجه رسیدند که میزان دستگیری‌های مربوط به قتل با دستگیری‌های جرایم مواد (مخدوری) رابطه ندارد؛ هم‌چنین، میزان سرقت با میزان قاچاق - و نه مالکیت - مواد مخدر دارای رابطه معنادار بوده و سایر تخلفات مربوط به جرایم علیه اموال، دارای رابطه معنادار و مثبت با قاچاق و مالکیت مواد مخدر می‌باشد.

بروک و همکارانش (Brook, et al., 1999) در یک مطالعه طولی و با استفاده از رگرسیون لجستیک، به بررسی رابطه بین مصرف مواد مخدر و ایفای نقش‌های معمول هر فرد پرداخته‌اند. در این تحقیق، میزان مصرف مواد مخدر و نیز ایفای نقش‌هایی چون

اشتغال، ازدواج و والدینی مورد سنجش قرار گرفته و نتایج تحقیق مبین این است که سابقه استفاده از مواد مخدر با خطر فزاینده عدم ایفای نقش‌های معمول در زندگی روزمره هر فرد عجین می‌باشد.

بارناسون (Bjarnason, 2000) با استفاده از رویکردهای نظری و تحقیق تجربی در مورد مواد مخدر که مستخرج از چارچوب نظری دورکیمی است، به مطالعه مصرف انواع مواد مخدر در میان دانش‌آموزان ۱۶-۱۵ ساله در کشورهای ایسلند، ایرلند و انگلستان سال ۱۹۹۵ می‌پردازد. وی درمی‌یابد که ساختار و روابط خانوادگی، روابط نزدیک با همالان، فقدان یا کمبود نظارت، و نگرش مساعد نسبت به مصرف مواد مخدر از جمله عوامل مؤثر بر مصرف مواد مخدر می‌باشند.

## ۲) چارچوب نظری

یک ره‌یافت ساختاری - عملکردی درباره مسأله مواد مخدر معمولاً عامل فردی را رد کرده، به‌جای آن به ملاحظه کل ساختار اجتماعی روی می‌آورد و به این مشکل جنبه اخلاقی نمی‌دهد. ره‌یافت‌های ساختاری - عملکردی، هیچ نهاد به‌خصوصی را به‌طور جداگانه مورد سرزنش یا انتقاد قرار نمی‌دهند و استدلال می‌کنند که همه نهادها ضمن تأثیر متقابل بر یکدیگر، کل سیستم اجتماعی را حفظ می‌کنند (کینگ، ۱۳۸۱: ۵۸). صنعتی شدن، شهرنشینی و سایر تغییرات اجتماعی در جامعه نوین، به‌واسطه تضعیف کنترل اجتماعی که پیش از این از طریق ارزش‌های اجتماعی سنتی اعمال می‌گردید، ازسوی جامعه‌شناسان شیکاگو، به‌عنوان علت بی‌سازمانی اجتماعی شناخته شده‌اند (Akers & Sellers, 2004:160). بنا به بسیاری از مطالعات انجام شده، عناصر مختلف بی‌سازمانی اجتماعی دارای روابط درونی هستند زیرا آن‌ها روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ازسوی دیگر، همه عناصر بی‌سازمانی اجتماعی دارای تأثیر یکسان بر روی جرم نمی‌باشند؛ برخی از عناصر بی‌سازمانی اجتماعی به‌عنوان متغیر میانگیر (واسطه‌ای) عمل می‌کنند، ولی برخی دیگر به‌طور مستقیم روی جرم تأثیر می‌گذارند (Talyor, 2001). عوامل بی‌سازمانی اجتماعی باعث می‌شوند که اعضای جامعه

در تنظیم رفتارهای خود با مشکل مواجه گردند: فقر، گسیختگی خانواده، بی‌ثباتی مکانی ساکنین و... منجر به گمنامی و روابط در بین ساکنین و مشارکت پایین آن‌ها در سازمان‌ها و فعالیت‌های محلی می‌شود (Vold, & Snipes, 1998: 152). نظریه بی‌سازمانی اجتماعی رفتار فردی را تبیین نمی‌کند بلکه این نظریه، قصد تبیین نوسانات میزان جرم را دارد (Paulsen & Robinson, 2004:72). از دیدگاه نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، وجود گسترده اعتیاد در برخی نقاط جامعه ناشی از مشخصات سازمان اجتماعی است. طرفداران این نظریه در این حالت جامعه را ناهماهنگ می‌دانند زیرا بخشی از مردم قادر به درک و جذب هدف‌های جامعه نیستند و یا نمی‌توانند با وصول به هدف‌های مطلوب اجتماعی احساس رضایت و کفایت کنند؛ در نتیجه به‌سوی الکل و سایر مواد مخدر روی می‌آورند تا رضایتی را که نتوانسته‌اند در رابطه با اهداف جامعه کسب کنند، از طریق دیگر به‌دست آورند. طرفداران این نظریه از جهتی دیگر نیز جامعه را ناهماهنگ می‌دانند و آن حالتی است که هنجارهای جامعه قادر به کنترل و تنظیم مصرف مواد مخدر نیست و از قدرت و نفوذ هنجارهای اجتماعی که مانع مصرف مواد مخدر هستند، نظیر سایر هنجارها، به‌هنگام بروز تغییر و تحول اجتماعی کاسته می‌شود.

### ۱-۲) فرضیه‌ها

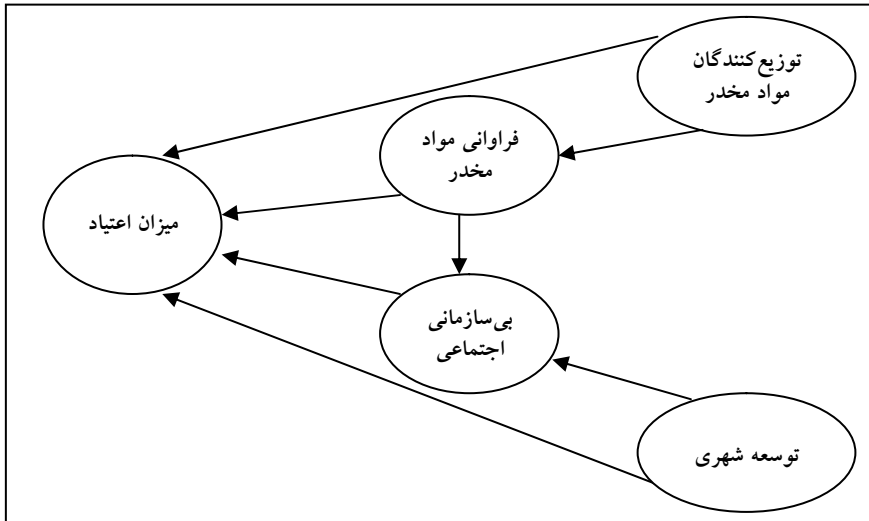
فرضیه‌های این تحقیق به‌قرار زیر می‌باشند.

- الف) بین فراوانی مواد مخدر و میزان اعتیاد رابطه مستقیم وجود دارد.
- ب) بین توزیع‌کنندگان مواد مخدر و میزان اعتیاد رابطه مستقیم وجود دارد.
- ج) بین بی‌سازمانی اجتماعی و میزان اعتیاد رابطه مستقیم وجود دارد.
- د) بین توسعه شهری و میزان اعتیاد رابطه مستقیم وجود دارد.
- ه) بین فراوانی مواد مخدر و بی‌سازمانی اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- و) بین توسعه شهری و بی‌سازمانی اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ز) بین توزیع‌کنندگان مواد مخدر و فراوانی مواد مخدر رابطه مستقیم وجود دارد.

## ۲-۲) مدل نظری

مدل نظری این تحقیق، در شکل شماره ۱ به تصویر کشیده شده است.

شکل ۱: مدل نظری تحقیق



## ۳) روش مطالعه

### ۳-۱) نوع مطالعه و روش اجرا

روش تحقیق این پژوهش از نوع تحقیق همبستگی درون استانی است که با استفاده از داده‌های ثانویه به انجام رسیده است. داده‌های ثانویه مورد نیاز این پژوهش مبتنی بر آمارهای مرکز آمار ایران، ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیروی انتظامی می‌باشد.

### ۳-۲) جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش عبارت از تمامی شهرستان‌های استان مازندران در طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ می‌باشد؛ لذا جامعه آماری تحقیق متشکل از ۸۱ واحد تحلیل است و نمونه‌گیری انجام نشده است.

### ۳-۳) ابزار مطالعه

برای تعیین روایی، از روش روایی محتوا استفاده شده است. تمامی متغیرهای این پژوهش به صورت میزان<sup>۱</sup> بوده و بر حسب هر یک صد هزار نفر جمعیت محاسبه شده است. هم‌چنین، با توجه به این که واحدهای سنجش برخی از شاخص‌ها با یکدیگر هم‌وزن نبوده و متفاوت‌اند، برای ساختن متغیرهای بی‌سازمانی اجتماعی و توسعه شهری، پس از تبدیل داده‌های خام به صورت میزان، شاخص‌هایی که به صورت میزان در آمده است استاندارد<sup>۲</sup> گردیده‌اند. نهایتاً داده‌های استاندارد شده با یکدیگر ترکیب شده و متغیرهای مذکور ساخته شده‌اند.

### ۳-۴) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

مهم‌ترین تکنیک آماری این پژوهش، تحلیل رگرسیون چند متغیری است. هم‌چنین، برای غنای بیش‌تر تحقیق از جداول توصیف داده‌ها نیز استفاده شده است. کلیه مراحل پردازش داده‌ها توسط بسته نرم‌افزاری علوم اجتماعی، SPSS به انجام رسیده است.

### ۳-۵) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

**الف) توسعه شهری:** فرایندی است که به واسطه آن امکان استفاده از تسهیلات شهری برای مردم فراهم می‌شود. برای سنجش این مفهوم از شاخص‌های میزان پزشکان، میزان تخت بیمارستانی و میزان شهرنشینی استفاده گردیده است.

1. Rate

2. Z



- ب) **فراوانی مواد مخدر:** به معنی فراوانی و سهولت دسترسی به مواد مخدر می‌باشد که برای سنجش این متغیر از شاخص میزان کشفیات تریاک استفاده شده است.
- ج) **بی‌سازمانی اجتماعی:** بی‌سازمانی اجتماعی عبارت است از آنومی در سطوح اجتماع. به عبارت دیگر، گسیختگی در روابط و تناسب، کار گروهی و اخلاق در میان گروه‌هایی از اشخاص که به یکدیگر مرتبط‌اند و این گسیختگی به جامعه آسیب می‌رساند. برای سنجش مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی از شاخص‌های میزان تراکم جمعیت شهری، میزان بیکاری و میزان طلاق استفاده شده است.
- د) **میزان اعتیاد:** منظور از اعتیاد، مسمومیت حاد یا مزمنی است که مضر به حال شخص و اجتماع می‌باشد و زائیده مصرف طبیعی یا صنعتی به‌شمار می‌رود. در این تحقیق منظور از اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد به انواع مواد افیونی است. به‌منظور سنجش مفهوم اعتیاد از شاخص تعداد افرادی که به جرم اعتیاد به مواد مخدر توسط نیروی انتظامی دستگیر و در آمارهای رسمی ستاد مبارزه با مواد مخدر ثبت شده‌اند استفاده گردیده است.

#### ۴) یافته‌ها

ابتدا پیش از توصیف وضعیت دستگیرشدگان مرتبط با مواد مخدر استان مازندران بر حسب شهرستان و سال، سعی می‌شود به اختصار جایگاه استان مازندران در میان سایر استان‌های کشور نشان داده شود.

استان مازندران به لحاظ بیش‌ترین میزان اعتیاد در کشور، پس از استان‌های قزوین، یزد، همدان، گلستان و سمنان در رتبه ششم می‌باشد؛ به‌طوری که میانگین میزان دستگیرشدگان معتاد در استان مازندران طی سال‌های ۶۸ تا ۸۰ بالغ بر ۲۳۱ نفر به ازای هر یک‌صد هزار نفر جمعیت است. به عبارت دیگر، طی سال‌های فوق‌الذکر به‌طور میانگین سالانه ۱۶۴ نفر معتاد به مواد مخدر به ازای هر یک‌صد هزار نفر جمعیت در کل کشور دستگیر شده‌اند، در حالی که میزان دستگیرشدگان معتاد در مازندران ۲۳۱ نفر و ۶۷ نفر بیش از میانگین

کشوری است. لازم به ذکر است که استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام و کردستان به ترتیب با ۶۳، ۶۴، ۶۶، و ۷۸ نفر معتاد در هر یکصد هزار نفر جمعیت دارای کم‌ترین میزان دستگیرشدگان معتاد در کشور می‌باشند. هم‌چنین به لحاظ بیش‌ترین میزان دستگیرشدگان قاچاقچی طی سال‌های ۸۰-۶۸ نیز جایگاه استان مازندران در میان استان‌های کشور رتبه هشتم می‌باشد، به طوری که پس از استان‌های مرکزی (۴۶۰ نفر)، قم (۲۶۶ نفر)، کرمان (۲۵۰ نفر)، هرمزگان (۲۳۴ نفر)، یزد (۲۰۰ نفر)، تهران (۱۸۵ نفر) و گلستان (۱۱۸ نفر)، مازندران با میزان دستگیرشدگان قاچاقچی (۱۰۲ نفر به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت) قرار دارد.

در مجموع، به لحاظ میزان کل دستگیرشدگان مربوط به مواد مخدر در استان‌های ایران طی سال‌های ۸۰-۶۸ استان‌های همدان و یزد به ترتیب با ۵۲۲ و ۵۱۳ نفر در هر یکصد هزار نفر جمعیت دارای بیش‌ترین میزان دستگیری بوده‌اند و کم‌ترین میزان نیز مربوط به استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، ایلام و کردستان به ترتیب با ۸۴، ۸۷، ۹۸، و ۱۰۸ نفر به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت می‌باشد. جایگاه استان مازندران در میان استان‌های کشور از نظر بیش‌ترین دستگیرشدگان مواد مخدری رتبه دهم می‌باشد؛ بدین معنی که طی سال‌های ۶۸ تا ۸۰ میانگین میزان دستگیرشدگان متخلفین مربوط به مواد مخدر در استان مازندران ۳۳۵ نفر در هر یکصد هزار نفر جمعیت است. از این‌رو ملاحظه می‌شود که استان مازندران به لحاظ میزان دستگیرشدگان معتاد، قاچاقچی و کل دستگیرشدگان مرتبط با جرایم مواد مخدر، از جمله استان‌های دارای وضعیت بحرانی و بالاتر از حد میانگین کشوری می‌باشد.

#### ۴-۱) توصیف وضعیت دستگیرشدگان

جدول شماره ۱ نشان‌دهنده میزان کل دستگیرشدگان مربوط به مواد مخدر در استان مازندران بر حسب شهرستان در طی سال‌های ۸۰-۷۵ می‌باشد. جدول فوق مبین این است که میزان دستگیری‌های مجرمین مرتبط با مواد مخدر از ۸۱ نفر (در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) در سال

۷۵ به ۵۱۹ نفر (در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) در سال ۸۰ افزایش یافته است؛ یعنی ۶/۴ برابر افزایش نشان می‌دهد. البته شهرستان‌های آمل (۱۰ برابر)، تنکابن (۹/۶ برابر)، محمودآباد (۸ برابر)، قائم‌شهر (۶/۴ برابر) و سوادکوه (۵/۷ برابر) بیش‌ترین افزایش را در طی سال‌های ۸۰-۷۵ به لحاظ دستگیری مجرمین مربوط به مواد مخدر داشته‌اند. نکته قابل توجه این است که در سال ۷۶ تمامی شهرستان‌ها (به استثنای قائم‌شهر) به طور میانگین حدود ۴ برابر افزایش دستگیری متخلفین مربوط به مواد مخدر نسبت به سال ۷۵ داشته‌اند. لذا با مینا قراردادن سال ۷۵، ملاحظه می‌شود که در سال ۸۰ هیچ‌یک از شهرستان‌های استان مازندران کاهش دستگیری در زمینه جرایم مواد مخدر را نشان نمی‌دهند. هم‌چنین در طی سال‌های ۸۰-۷۵ شهرستان‌های رامسر، بابلسر و تنکابن به ترتیب دارای بیش‌ترین میزان دستگیری تخلفات مواد مخدر (اعم از قاچاق و اعتیاد) بوده‌اند.

جدول ۱: میزان کل دستگیرشدگان مرتبط با مواد مخدر در استان مازندران (۸۰-۷۵)

ردیف	شهرستان	سال					
		۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۱	بهشهر	۷۶	۲۶۱	۲۶۲	۱۳۵	۱۵۰	۱۵۵
۲	ساری	۷۸	۲۷۱	۳۰۸	۱۹۵	۲۷۹	۲۴۴
۳	قائم‌شهر	۳۸	۳۲	۲۱۱	۲۱۰	۱۷۹	۲۴۴
۴	سوادکوه	۴۹	۲۵۶	۸۹	۲۳۳	۲۴۷	۲۸۱
۵	بابل	۶۷	۳۰۸	۲۳۵	۲۶۵	۲۵۶	۲۵۹
۶	بابلسر	۹۹	۵۲۴	۲۹۱	۲۰۶	۱۵۵	۳۹۲
۷	آمل	۳۵	۲۵۰	۱۸۰	۲۵۰	۲۵۲	۳۵۵
۸	نور	۹۴	۴۲۱	۲۴۹	۳۱۶	۱۳۳	۲۱۹
۹	نوشهر	۱۱۰	۳۱۳	۷۲۱	۴۱۲	۱۶۷	۲۱۱
۱۰	تنکابن	۳۲	۴۳۹	۳۰۱	۳۷۵	۲۴۶	۳۰۸
۱۱	رامسر	۲۴۸	۴۱۳	۲۲۸	۴۷۹	۳۷۶	۳۲۰

ادامه جدول ۱

۱۲	محمودآباد	۴۱	۶۲۱	۱۸۶	۳۱۱	۲۲۴	۳۱۷
۱۳	چالوس	-	-	-	۲۲۸	۲۶۴	۳۶۱
۱۴	نکا	-	-	-	۲۲۰	۲۷۳	۲۹۳
۱۵	جویبار	-	-	-	۱۲۷	۲۱۳	۳۶۲
۱۶	میانگین	۸۱	۳۴۲	۲۷۲	۲۶۴	۲۳۴	۵۱۹

همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، میزان کل دستگیرشدگان به جرم اعتیاد به مواد مخدر طی سال‌های ۷۵ تا ۸۰ در استان مازندران از ۷۵ نفر به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۷۵، به ۱۸۲ نفر در سال ۱۳۸۰ بالغ گردیده است. بیش‌ترین و کم‌ترین میزان دستگیرشدگان معتاد به ترتیب در سال‌های ۷۷ و ۷۵ گزارش شده‌اند. آمارها نشان می‌دهند که سیر دستگیری معتادین طی سال‌های ۷۵ تا ۷۷ از شتاب بیش‌تری برخوردار بوده است. هم‌چنین، در سال ۱۳۸۰ شهرستان‌های چالوس، آمل، بابلسر و جویبار دارای بالاترین میزان دستگیری بوده‌اند.

جدول ۲: میزان کل معتادین در استان مازندران (۸۰-۷۵)

ردیف	شهرستان	سال					
		۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۱	بهشهر	۶۲	۲۰۷	۲۲۳	۹۴	۱۰۰	۱۰۱
۲	ساری	۷۴	۱۶۶	۲۱۰	۱۴۱	۱۸۷	۱۸۴
۳	قائم‌شهر	۳۵	۲۵۴	۱۸۸	۱۶۸	۱۴۳	۱۳۸
۴	سوادکوه	۴۸	۱۶۱	۸۰	۱۹۱	۲۸۴	۱۴۸
۵	بابل	۵۹	۲۰۶	۱۱۷	۱۷۸	۱۵۱	۱۰۸
۶	بابلسر	۸۵	۲۴۰	۲۳۷	۱۷۰	۱۰۴	۲۴۷
۷	آمل	۶۳	۲۲۵	۱۶۳	۱۸۶	۲۰۱	۳۰۶

## ادامهٔ جدول ۲

۸	نور	۹۱	۱۷۹	۲۴۳	۱۷۵	۷۵	۷۶
۹	نوشهر	۱۰۰	۱۵۱	۶۶۹	۳۶۱	۱۴۱	۱۶۲
۱۰	تنکابن	۲۹	۲۸۶	۲۲۸	۲۵۸	۱۶۸	۲۰۴
۱۱	رامسر	۲۲۸	۲۱۷	۲۲۸	۳۰۱	۲۴۵	۲۲۸
۱۲	محمودآباد	۲۹	۳۰۲	۱۷۸	۲۶۰	۱۷۴	۱۶۲
۱۳	چالوس	-	-	-	۲۰۳	۲۳۹	۳۰۷
۱۴	نکا	-	-	-	۱۲۴	۱۹۶	۱۱۹
۱۵	جویبار	-	-	-	۹۸	۱۵۰	۲۴۵
۱۶	میانگین	۷۵	۲۱۶	۲۳۰	۱۹۴	۱۷۱	۱۸۲

جدول شمارهٔ ۳ نشان‌گر این است که میانگین میزان کل مجرمینی که در رابطه با فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر در استان مازندران طی سال‌های ۷۵ تا ۸۰ دستگیر شده‌اند ۲۴۹ نفر به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت می‌باشد. در واقع، به ترتیب شهرستان‌های رامسر، نوشهر، چالوس، تنکابن، محمودآباد و بابلسر دارای بالاترین میزان مجرمین مربوط به مواد مخدر در طی سال‌های مذکور بوده‌اند. البته به لحاظ میزان کل معتادین (مرد و زن)، شهرستان‌های نوشهر و چالوس به ترتیب با ۲۶۴ و ۲۴۹ نفر (به ازای هر یکصد هزار نفر) بیش‌ترین دستگیری‌ها را داشته‌اند؛ در حالی که از نظر میزان توزیع‌کنندگان (فاجاقچیان) مواد مخدر که در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۰ دستگیر شده‌اند، شهرستان‌های نکا، رامسر، بابلسر و جویبار به ترتیب با ۱۱۷، ۷۳، ۷۱ و ۷۰ نفر دستگیری به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت، دارای بالاترین میزان دستگیری بوده‌اند.

جدول ۳: میانگین میزان دستگیرشدگان و کشف تریاک در استان مازندران (۷۵-۸۰)

ردیف	سال شهرستان	میزان کل مجرمین مواد مخدری	میزان قاچاقچیان	میزان معتادین زن	میزان معتادین مرد	میزان کل معتادین	میزان کشف تریاک
۱	بهشهر	۱۷۳	۳۸	۳/۷	۱۲۷	۱۳۱	۲۵
۲	ساری	۲۲۹	۵۴	۶/۸	۱۵۳	۱۶۰	۱۱
۳	قائمشهر	۱۵۲	۳۸	۴/۹	۱۴۹	۱۵۴	۷
۴	سوادکوه	۲۰۹	۴۲	۳/۱	۱۴۹	۱۵۲	۴
۵	بابل	۲۳۲	۵۹	۵/۶	۱۳۱	۱۳۷	۱۹
۶	بابلسر	۲۷۸	۷۱	۱	۱۸۰	۱۸۰	۱۱
۷	آمل	۲۲۰	۳۲	۱۰	۱۸۰	۱۹۰	۱۹
۸	نور	۲۳۹	۶۲	۲/۴	۱۳۷	۱۴۰	۵
۹	نوشهر	۳۲۲	۳۵	۲/۳	۲۶۲	۲۶۴	۱۶
۱۰	تنکابن	۲۸۴	۶۹	۱/۵	۱۹۴	۱۹۵	۱۸
۱۱	رامسر	۳۴۴	۷۳	۴/۶	۲۳۷	۲۴۱	۴
۱۲	محمودآباد	۲۸۳	۵۸	۳/۹	۱۸۰	۱۸۴	۱۴
۱۳	چالوس	۲۸۵	۳۵	۵/۸	۲۴۴	۲۴۹	۱۳
۱۴	نکا	۲۶۲	۱۱۷	۴/۸	۱۴۲	۱۴۶	۲۰
۱۵	جویبار	۲۳۵	۷۰	۴/۶	۱۶۰	۱۶۴	۱۸
۱۶	میانگین	۲۴۹	۵۵	۴/۲	۱۷۴	۱۷۹	۱۳

## ۲-۴) تحلیل رگرسیونی

نوع تحلیل رگرسیونی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است فقط مختص روابط خطی است و برای کشف روابط منحنی شکل کاربرد ندارد. وانگهی اثر تعامل متغیرهای مستقل را نیز مشخص نمی‌کند. برای تفسیر داده‌ها به دو دلیل عمده از رگرسیون استاندارد استفاده گردیده

است: یکی ساده شدن معادلات و دیگر این که چون واحدهای سنجش متغیرهای تحقیق متفاوت است و این مشکل باعث می‌شود نتوان ضریب زاویه خط (b) را با هم مقایسه نمود، لذا از ضرایب استاندارد (Beta) که قابل مقایسه هستند، استفاده شده است.

جدول ۴: رگرسیون چند متغیری برای تبیین میزان اعتیاد

متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد	اشتباه استاندارد	ضرایب استاندارد	مقدار	سطح معناداری
Independent variables	B	SE	Beta	T	Sig.
(عرض از مبدا)	۱۴۱/۲۴۳	۱۸/۱۴۲		۷/۷۸۵	۰/۰۰۰
فراوانی مواد مخدر	۰/۰۴۷	۰/۰۲۰	۰/۳۳۰	۲/۳۹۱	۰/۰۲۰
توزیع کنندگان مواد مخدر	۰/۰۱۷	۰/۰۰۸	۰/۲۷۰	۲/۰۸۷	۰/۰۴۰
توسعه شهری	۳/۹۵۸	۴/۷۲۰	۰/۰۹۷	۰/۸۳۸	۰/۴۰۴
بی‌سازمانی اجتماعی	۵/۸۳۸	۸/۵۸۰	۰/۰۸۱	۰/۶۸۰	۰/۴۹۸

R = .455

F = 4.685

SE = 3.431

R2 = .253

Sig. (F) = .002

Adjusted R2 = .156

در این تحقیق، یک تحلیل رگرسیونی چند متغیری مشتمل بر چهار متغیر مستقل برای پیش‌بینی میزان اعتیاد به مواد مخدر مورد استفاده قرار گرفته است. ترتیب متغیرهای مستقل بر حسب وزن بتا عبارت از متغیر میزان فراوانی مواد مخدر ( $Beta=0/33$ )، میزان توزیع کنندگان مواد مخدر ( $Beta=0/27$ )، میزان توسعه شهری ( $Beta=0/09$ ) و میزان بی‌سازمانی اجتماعی ( $Beta=0/08$ ) می‌باشد. متغیرهای فراوانی مواد مخدر و توزیع کنندگان مواد مخدر پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری (حداقل  $0/05$ ) برای تبیین میزان اعتیاد به مواد مخدر هستند؛ در حالی که متغیرهای توسعه شهری و بی‌سازمانی اجتماعی فاقد سطح معنی‌داری لازم برای ورود به معادله بوده‌اند. در توضیح روابط مشاهده شده مذکور می‌توان گفت جامعه آماری تحقیق که متشکل از ۱۸ شهرستان در طی شش سال متوالی است از

جهت ساختاری با یکدیگر متفاوت‌اند و همین تفاوت، واحدهای تحلیل را در دو ساخت «توسعه‌یافته و صنعتی»، و ساخت «کم‌تر توسعه‌یافته» قرار می‌دهد. لذا برخی از رابطه‌ها فقط در نواحی غرب مازندران و شهرستان‌های نسبتاً توسعه‌یافته‌تر قابل تفسیر می‌باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که بعضی از روابط بین متغیرهای مستقل با وابسته در این دو ساخت مجزا، در دو جهت مجزا از یکدیگر حرکت می‌کنند و همین امر باعث خنثی شدن اثرات آن‌ها در کل می‌گردد و در نتیجه برخی از شاخص‌های آماری محاسبه شده (از جمله رابطه بین توسعه شهری و بی‌سازمانی اجتماعی با میزان اعتیاد) از جهت آماری معنی‌دار نیست و در عین حال میزان آن‌ها پایین است. در واقع، این تفاوت زیاد به جای این که روابط را به صورت خطی مورد تحلیل قرار دهد منجر به روابط غیر خطی می‌گردد و میزان همبستگی‌ها کاهش می‌یابد و زمانی که وارد معادلات رگرسیون چند متغیره می‌گردد، چون در این جا پیش‌فرض بر خطی بودن است، شاخص‌ها (نظیر توسعه شهری و بی‌سازمانی اجتماعی) از جهت آماری معنی‌دار نخواهند بود. از این رو، فرضیات «الف» و «ب» تأیید، ولی فرضیه‌های «ج» و «د» تأیید نمی‌شوند.

وزن‌های بتا در معادله فوق نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش انحراف معیار در فراوانی مواد مخدر، توزیع‌کنندگان مواد مخدر، توسعه شهری و بی‌سازمانی اجتماعی، متغیر وابسته، یعنی میزان اعتیاد به مواد مخدر، به ترتیب به میزان ۰/۳۳ و ۰/۲۷ انحراف معیار افزایش می‌یابد. حدود ۲۵ درصد از نوسانات در متغیر وابسته (میزان اعتیاد به مواد مخدر) توسط مدل رگرسیونی متشکل از چهار متغیر پیش‌بینی‌کننده فوق تبیین می‌شود و ۷۵ درصد باقی‌مانده را متغیرهای دیگری توضیح می‌دهند که خارج از این بررسی هستند. ضریب همبستگی چندگانه بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل فوق‌الذکر به‌طور هم‌زمان ۰/۴۵ با میزان اعتیاد همبستگی دارند.



جدول ۵: رگرسیون چند متغیری برای تبیین بی‌سازمانی اجتماعی

متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	اشتباه استاندارد	ضرایب استاندارد	مقدار	سطح معناداری
Independent variables	B	SE	Beta	T	Sig.
(عرض از مبدا)	-۰/۳۷۰	۰/۱۸۹		-۱/۹۵۳	۰/۰۵۴
توسعه شهری	۰/۱۷۵	۰/۰۵۹	۰/۳۱۱	۲/۹۶۳	۰/۰۰۴
فراوانی مواد مخدر	۰/۰۲۸	۰/۰۱۰	۰/۲۸۵	۲/۷۱۱	۰/۰۰۸

R = .393

F = 7.112

SE = 1.181

R<sup>2</sup> = .154

Sig. (F) = .001

Adjusted R<sup>2</sup> = .133

برای بررسی رابطه بین توسعه شهری، فراوانی مواد مخدر و بی‌سازمانی اجتماعی، رگرسیونی متشکل از دو متغیر مستقل (توسعه شهری و فراوانی مواد مخدر) به منظور پیش‌بینی میزان بی‌سازمانی اجتماعی (به عنوان متغیر وابسته) مورد استفاده قرار گرفته است. هر دو متغیر مستقل وارد شده، به‌طور معنادار، تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند. لذا فرضیه‌های «ه» و «و» مورد تأیید قرار می‌گیرند. وزن‌های بتا نشان‌دهنده این است که تأثیر متغیر میزان توسعه شهری بر روی میزان بی‌سازمانی اجتماعی بیش از فراوانی مواد مخدر می‌باشد. در واقع، به‌ازای یک واحد افزایش انحراف معیار در توسعه شهری ۰/۳۱۱ و به‌ازای یک واحد افزایش در فراوانی مواد مخدر ۰/۲۸ انحراف معیار به‌میزان بی‌سازمانی اجتماعی افزوده می‌شود. البته، پس از اعمال همبستگی‌های نیمه تفکیکی و تفکیکی، سهم هر متغیر مستقل تغییری را نشان نمی‌دهد. ضریب همبستگی چندگانه (۰/۳۹) بدین معنی است که متغیرهای مستقل فوق‌الذکر به‌طور هم‌زمان ۰/۳۹ با بی‌سازمانی اجتماعی همبستگی دارند. ضریب تعیین به میزان ۰/۱۵ نیز دلالت بر این دارد که ۰/۱۵ از تغییرات میزان بی‌سازمانی اجتماعی را متغیرهای مستقل فوق توضیح می‌دهند. هم‌چنین، برای بررسی رابطه بین میزان توزیع‌کنندگان مواد مخدر (متغیر مستقل) و میزان فراوانی مواد مخدر (متغیر وابسته) از رگرسیون ساده استفاده گردید و نتایج آن نشان داد که

توزیع‌کنندگان مواد مخدر به میزان ۰/۱۳ با فراوانی مواد مخدر دارای همبستگی است. ضریب تعیین (۰/۱۸) نیز بدین معنی است که توزیع‌کنندگان مواد مخدر فقط ۰/۰۲ از تغییرات فراوانی مواد مخدر را در استان مازندران توضیح می‌دهد.

## ۵) بحث و نتیجه‌گیری

مسئله اساسی در تعریف جرم ناشی از آمارهای جرم است. از نظر جامعه‌شناس، جرم و آمارهای جرم به‌طور اجتماعی ساخته می‌شوند (ساخت اجتماعی واقعیت). احتمال دارد که افزایش دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر در سال‌های اخیر تا حدودی ناشی از حساسیت بیش‌تر مردم نسبت به جرایم مربوط به مواد مخدر باشد. لذا، از جمله عوامل موثر بر دستگیری‌ها می‌توان به ماهیت جرم، ناتوانی‌های روان‌شناختی مجرمین و فعالیت نیروی انتظامی نیز اشاره نمود. لیکن از آن‌جا که این تحقیق در سطح کلان بوده و داده‌های قابل دسترسی برای تحلیل نیز محدود بوده‌اند، متغیرهای معینی بررسی و تحلیل شده‌اند. با توجه به این که پیش‌فرض اساسی تحقیق این بود که میزان اعتیاد به مواد مخدر در سطح شهرستان‌های استان مازندران دارای تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر است، لذا تحقیق به دنبال توضیح دادن تغییرات میزان اعتیاد بود تا از این طریق بتوان سهم عوامل اجتماعی موثر بر تغییرات میزان اعتیاد را تعیین نمود. بر همین اساس متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق متغیرهای در سطح کلان، یا به اصطلاح در سطح سیستم می‌باشند. در تبیین نظری نیز این تحقیق مبتنی بر رویکرد ساختاری - کارکردی است.

مهم‌ترین متغیرهایی که با میزان اعتیاد ارتباط دارند، متغیر فراوانی مواد مخدر و توزیع‌کنندگان مواد مخدر می‌باشند. در واقع، وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر را می‌توان برحسب ساختار فرصت غیرقانونی<sup>۱</sup> تبیین نمود؛ بدین معنی که در مناطقی که سهولت بیش‌تری در دسترسی به مواد مخدر وجود دارد، افراد فرصت بیش‌تری برای ارتکاب دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر دارند. زیرا در چنین مناطقی، موقعیت‌هایی برای افراد

### 1. Illegitimate Opportunity Structure

فراهم می‌شود تا مرتکب جرایم مرتبط با مواد مخدر گردند. در این محیط‌ها مهارت‌های مجرمانه، ارزش‌های هنجاری و الگوهای نقش‌های مجرمانه عرضه می‌شوند و کسانی که به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز بر حسب این ارزش‌های انحرافی عمل می‌کنند فرصت خواهند داشت تا مرتکب جرایم مرتبط با مواد مخدر گردند، زیرا آن‌ها دسترسی سهل‌تر و بیش‌تری به مواد مخدر، یعنی فرصت غیرقانونی دارند. زمانی که یک جامعه بیش‌تر صنعتی می‌شود و تنوع بیش‌تری پیدا می‌کند، علقه‌های اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرم‌زا هستند دیگر موثر نخواهند بود. در واقع، تأثیرات ملازم با توسعه نظیر بالا رفتن آموزش، مهاجرت از روستا، ماهیت ناپایداری نیروی کار، و تأکید بر روی کالاهای مادی، موجب تحلیل رفتن مکانیسم‌های کنترل غیر رسمی می‌شود. این شکست در نظام هنجاری، به نوبه خود، به عنوان افزایش‌دهنده جرم در ملل صنعتی و در حال صنعتی شدن، نگریسته شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت به موازات این که جامعه به طرف افزایش اندازه، عدم تجانس و پیچیدگی پیش می‌رود، اقتدار وجدان عمومی و نظارت اجتماعی بر رفتار افراد کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که انتظام اجتماعی<sup>۱</sup> و انسجام اجتماعی<sup>۲</sup> تحلیل می‌رود، می‌توان انتظار افزایش در انحرافات اجتماعی - از جمله میزان اعتیاد - را داشت؛ زیرا جامعه به موازات گسترش یافتن و متراکم‌تر شدنش تسلط کم‌تری بر فرد دارد و در نتیجه، دیگر به خوبی قادر نیست گرایش‌های متباینی را که پیدا می‌شوند مهار کند. در اجتماع‌های با ثبات که روابط نزدیک و صمیمی، وابستگی را اشاعه می‌دهد و افراد عادت کرده‌اند که دائماً خود را نیازمند محیط اجتماعی بدانند، هنگامی که الگوی روابط و پیوندهای نزدیک و صمیمی بین افراد و منبع حمایتی آن‌ها مورد تهدید واقع می‌شود، بیش‌تر در معرض رفتارهای انحرافی قرار می‌گیرند. از این رو، می‌توان انتظار داشت که بالا بودن میزان توسعه شهری موجب سست شدن و گسیختگی علقه‌های خانوادگی و پیوندهای دوستی خواهد شد، که این امر نیز - به نوبه خود - به منزله شرایط مستعدکننده بروز دستگیری‌های مرتبط

---

1. Social Regulation

2. Social Integration

با مواد مخدر - از جمله اعتیاد - می‌باشد. هنگامی که جامعه توسعه می‌یابد و از حالت سنتی و ساده که در آن ارزش‌ها، هنجارها و باورها رقیق‌تر هستند پیش می‌رود، می‌توان توقع داشت که به واسطه اغتشاش هنجاری، میزان اعتیاد نیز افزایش یابد. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر قدر به استان خراسان نزدیک‌تر می‌شویم به میزان کشفیات مواد مخدر و نیز میزان توزیع‌کنندگان مواد مخدر افزوده می‌شود. از این رو، در شهرستان‌هایی که میزان مواد مخدر مکشوفه (به عنوان شاخصی از وفور و دسترسی آسان به مواد مخدر) بیش‌تر است، میزان معتادین نیز افزایش می‌یابد. نکته مهمی که باید اشاره نمود این است که غرب مازندران به ویژه شهرستان‌هایی چون نوشهر و رامسر دارای توسعه شهری بالا و میزان جرم و نیز اعتیاد بالا می‌باشند. اما در مناطق شرق مازندران وضعیت به گونه‌ای دیگر است. زیرا، مناطق شرقی مازندران که نسبت به غرب مازندران کم‌تر توسعه یافته‌اند، میزان جرایم اجتماعی نیز در آن مناطق نسبتاً کم‌تر است، لیکن در عین حال میزان اعتیاد بالا است؛ حال آن‌که، علی‌القاعده، به واسطه این‌که در شرق مازندران میزان توسعه شهری و جرم پایین است، بایستی میزان اعتیاد نیز پایین باشد، اما چنین نیست. از این روست که این وجه از مدل تحلیلی عمدتاً در رابطه با وضعیت خاص برخی از شهرستان‌های غرب مازندران قابل تفسیر است. در تفسیر این نوع رابطه در مناطق شرقی استان می‌توان گفت که علی‌رغم توسعه‌یافتگی کم‌تر و پایین بودن میزان بی‌سازمانی اجتماعی و جرم در نواحی شرقی استان در مقایسه با غرب استان، به نظر می‌رسد هم‌جواری و نزدیکی به استان خراسان - به عنوان یکی از مبادی مهم ورود مواد مخدر به کشور و به‌ویژه استان مازندران - می‌تواند تبیین‌کننده این مساله باشد. واقع شدن مراکز مهم تولید و قاچاق مواد مخدر در اطراف ایران و این‌که مواد تولید شده به هر وسیله ممکن می‌بایست به بازارهای مصرف در اروپا و آمریکا انتقال یابد از جمله چالش‌های جدی برای ایران محسوب می‌شود. این حمل و نقل به ناچار از درون کشورهای مسیر انجام می‌گیرد و ایران از نقطه نظر جغرافیایی، در مسیر ترانزیت مواد مخدر به سوی غرب قرار دارد و لذا می‌توان گفت که مسأله ترانزیت، از جمله عوامل اصلی گسترش مواد مخدر و اعتیاد در داخل کشور است. مواد مخدر وارده

به استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان - به صورت عمده - در مسیرهای مختلفی به گردش درمی‌آید که یکی از مسیرهای عمده، مسیر استان مازندران است. استان مازندران به علت هم‌جواری با استان‌های گرگان و خراسان، یکی از مسیرهای ترانزیت مواد مخدر محسوب می‌شود، به طوری که مواد مخدر پس از ترانزیت از تربت جام، مشهد، قوچان و بجنورد، به گنبد، گرگان، ساری، بابل و آمل می‌رسد و سپس به تهران انتقال می‌یابد. هم‌چنین استان سمنان - که خود با استان خراسان هم‌مرز است - یکی دیگر از مسیرهای ورود مواد مخدر به مازندران می‌باشد. از آن‌جا که این تحقیق در سطح کلان بوده و تمامی شهرستان‌های استان مازندران را در طی یک دوره زمانی شش ساله مورد بررسی قرار داده است، لذا تبیین دقیق‌تر وضعیت برخی از شهرستان‌ها نیازمند مطالعه و پژوهشی مستقل با واحد تحلیل و نیز سطح تحلیل متفاوت می‌باشد.

- علیوردی‌نیا، اکبر. (۱۳۸۵)، «مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- کینگ، اچ. دبلیو. (۱۳۸۱)، نیمه دوم قرن بیستم و تفکرات اجتماعی (ترجمه پوران‌دخت مجلسی)، تهران، انتشارات گفتمان.
- Akers, Ronald L. & Christine S. Sellers. (2004), **Criminological Theories: Introduction, Evaluation and Application**, Fourth Edition, Los Angeles, Roxbury Publishing Company.
- Akers, R. L. & Lee, G. (1999), "Age, Social Learning and Social Bonding in Adolescent Substance Use", **Deviant Behavior: An Interdisciplinary Journal**, 20 (1).
- Amatong, Acheampong Yaw & Bahr, Stephen J. (1986), "Religion, Family and Adolescent Drug Use". **Sociological Perspectives**, 29 (1).
- Bjarnason, Theodore. (2000), Adolescent Substance Use: A Study in Durkheimian Sociology; Ph.D. Dissertation, Department of Sociology, University of Notredame.
- Brook, JS ET. Al. (1999), "The Role of Parents in Protecting Colombian Adolescents from Delinquency and Marijuana Use", **Archives of Pediatrics and Adolescents Medicine**, 153 (5).
- Campbell, R. L. & Stevenson, L. W. (1992), "Drug Use Among University Undergraduate Students". **Psychological Report**, 70 (3).
- Lee, Lou & Deng, Furjen. (1995), "Drug Related Crime in Taiwan: A Time-Series Analysis from 1960-1990", **Sociological Abstracts**.
- Linnever, James & Shoemaker, Donald J. (1995), "Drugs and Crime: A Macro level analysis". **Sociological Abstracts**.
- Paulsen, Derek J. & Matthew B. Robinson. (2004), **Spatial Aspects of Crime: Theory and Practice**. New York, Pearson.
- Taylor, R. (2001), "The Ecology of Crime Fear and Delinquency: Social Disorganization versus Social Efficacy", In: R. Paternoster & R. Bachman (eds.), **Explaining Crime and Criminals**, Los Angeles CA, Roxbury.

- Vold, G. Bernard T. & Snipes, J. (1998), **Theoretical Criminology** (4th Ed.) New York, Oxford University.
- Wallace, John M. & Bachman, Jerald G. (1991), "Explaining Racial / Ethnic Differences in Adolescent Drug Use: the Impact of Background and Lifestyle". **Social Problem**, 38 (3).